

## تربیت عرفانی از دیدگاه سهروردی

دکتر عزت خادمی\* و معصومه گل آقایی\*\*

### چکیده

با توجه به رشد فزاینده‌ی انگیزه‌های عرفانی در جوانان، که سبب رشد مسلک‌ها و دیدگاه‌های نابخردانه گردیده است، این مقاله به دنبال بررسی دیدگاه‌های عرفانی برآمده است. بدین جهت دیدگاه عرفانی سهروردی را به لحاظ غنای فلسفی آموزه‌های عرفانی، مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از منظر او به بررسی مبانی فلسفی، مراحل و شرایط سلوک عرفانی و شناخت دلالت‌های تربیتی دیدگاه وی مبادرت نماییم. در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی که روشی رایج در مطالعات و تحقیقات مربوط به حوزه‌ی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت می‌باشد، استفاده شده است. بازتاب مراحل سلوک و اندیشه‌های تربیتی در اهداف آموزش متجلی می‌شود. اهداف تربیت عرفانی به «اهداف واسطه‌ای» و «هدف غایی» تقسیم می‌شود: اهداف واسطه‌ای عبارت است از کسب معرفت شهودی، پرورش عقل، عشق، عبودیت و هدف غایی که در مسیر زندگی، چیزی جز استمرار حضور و احساس خدا نیست که از آن به فنای فی الله تعبیر می‌شود. هم‌چنین اصول و روش‌های تربیت عرفانی از میان آثار شیخ اشراق استخراج و

---

\* استادیار دانشگاه الزهرا(س).

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا(س).

بیان گردیده است. این پژوهش بر معرفت شهودی که شخصی ترین معرفت است و از طریق دیدار حقایق به چشم دل و قلب متحقق می‌گردد و ابزار آن نیز تزکیه‌ی نفس و تصفیه‌ی روح می‌باشد و قلب انسان آن را واجد می‌گردد، تأکید کرده است. از نظر شیخ اشراق معرفت نفس محوری ترین ابزار شناخت است، که براساس علم حضوری و خودآگاهی استوار است.

**واژه‌های کلیدی:** شیخ اشراق، تربیت عرفانی، معرفت شهودی، معرفت نفس، هدف غایی، اهداف واسطه‌ای.



## مقدمه

از آنجا که فطرت انسان همواره به دنبال مأمونی برای اتصال و آرامش است، دیدگاه‌های عرفانی به طرق مختلف در بسیاری از دوران برانگیخته می‌شود. در حال حاضر نیز تمایل جوانان برخاسته از این انگیزه که احتمال به خطا رفتن آن فراوان است، رو به رشد است. بدین جهت در صدد بررسی آرای شیخ اشراق در قلمرو تربیت عرفانی بر آمده‌ایم تا از منظر او به بررسی مبانی فلسفی، مراحل و شرایط سلوک و هم‌چنین به شناخت دلالت‌های تربیتی دیدگاه وی مبادرت نماییم.

عرفان یا معرفت به معنی شناختن و در اصطلاح معرفت قلبی است که از طریق کشف و شهود حاصل می‌شود، کسی را که واجد مقام عرفان است، عارف می‌گویند و دانشی را که مبتنی بر عرفان است، معرفت می‌خوانند (علیخانی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲). سهروردی که در نیمه‌ی دوم قرن ششم می‌زیست، به معرفت فلسفی و عرفانی نگاه ویژه‌ای می‌افکند. او برای اثبات هستی و وجود حقایق عالم، هم به استدلال و هم به شهود تکیه می‌کند و حکمت اشراقی او تلفیقی از فلسفه و عرفان و به تعبیر خودش حکمت بحثی و حکمت ذوقی است. حکمت اشراقی مشاهده‌ای عرفانی است که به وسیله‌ی آن حقیقت وجود چنان که هست برای انسان پدیدار می‌گردد. البته در حکمت اشراق؛ نظر، برهان و استدلال از اهمیت بسیاری برخوردار است. ولی او می‌گوید همان‌گونه که مشاهدات حسی مبنای بسیاری از علوم می‌باشد، مشاهده روحانی نیز مبنای حکمت واقعی به شمار می‌آید (همان، صص ۴۷ و ۶۲). در تربیت عرفانی صحبت از طریقت سیر و سلوک یعنی گونه‌ای از رفتن و حرکت به سوی کمال و عرفان حق است و به حق، سهروردی به خوبی بدان پرداخته است (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۴۷). در این مقاله به مسائلی مانند: مبانی فلسفی تربیت عرفانی، مراحل و شرایط سلوک عرفانی و دلالت‌های تربیت عرفانی (اهداف، اصول و روش‌ها) از دیدگاه شیخ اشراق پرداخته می‌شود.

### مبانی فلسفی تربیت عرفانی شیخ اشراق

مبانی فلسفی شامل مبانی انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی است که از منظر شیخ اشراق به مبانی سه‌گانه انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی اشاره می‌کنیم. از آنجایی که عرفان نظری تفسیر مشاهدات عارف است که در سیر و سلوک عملی بدان دست یافته است. لذا هم صحت شهود عارف و هم تفسیرهای وی از شهودات خود به ملاک صحت و سقم نیاز دارد. این صحت و سقم به نحوی در معرفت‌شناسی مورد بحث واقع می‌شود؛ یعنی آن بخش از معرفت‌شناسی که به علم حضوری می‌پردازد و کیفیت آن را مورد بحث و بررسی



قرار می‌دهد و از آن‌جا که می‌خواهیم راجع به تربیت عرفانی بحث کنیم، بیشتر به مباحث معرفت‌شناسی و به‌ویژه، معرفت‌حضوری می‌پردازیم.

## ۱. انسان‌شناسی

شیخ اشراق انسان را موجودی قدسی، صاحب علم، اراده و فناپذیر می‌داند. او از عالم علوی به این عالم سفلی سفر کرده و هم چون مرغ اسیری است که به زندان گرفتار آمده است و چون از منزل‌گاه آسمانی خویش جدا گردیده، در این جهان غریب و افسرده است. اگر انسان جایگاه اصلی خویش را فراموش نکند و در سایه‌ی رهایی از وابستگی‌ها و رفع حجاب‌ها در پی نیل به مقام رفیع خویش باشد، نفس او به نور حق منور می‌شود. تابش نور حق که اکسیر علم و قدرت است، موجب می‌شود انسان بر معارفی دست یابد که دیگران از فهم آن عاجزند و از وی افعالی صادر می‌شود که خارق عادت است. جهان مسخر انسان می‌گردد و دعای او در عالم بالا مسموع می‌گردد. انسان‌شناسی در دیدگاه شیخ اشراق از دو نظر اهمیت دارد: یکی آن‌که، شناخت آرای تربیتی بدون آن ممکن نیست؛ زیرا بسیاری از نظریات وی مبتنی بر علم شهودی نفس است و دیگر این که او در بخش انسان‌شناسی فقط به تشریح نفس و قوای آن نپرداخته، بلکه کوشیده است راه تطهیر و نورانی کردن نفس و رهایی آن را از حجاب‌های ظلمانی نشان دهد. اساس و پایه‌ی شناخت از منظر حکمت اشراقی به‌ویژه رسائل عرفانی‌اش اختصاص به معرفت نفس دارد، که آن هم با مهار کردن نفس اماره، ریاضت و در بند کشیدن آن امکان‌پذیر است (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات ج ۲، قصه الغریبه الغربیه، ص ۲۷۵ - ۲۷۰). شیخ اشراق در تعریف نفس می‌گوید:

نفس حقیقتی است که جسم و جسمانی نیست و در چیزی نیز حلول نمی‌کند و دارای نیروی ادراک است (سهروردی، کلمة التصوف، ص ۲۵-۲۴).

شیخ اشراق برای تجرد نفس برهانی اشراقی به نام «خودآگاهی حضوری» ارائه می‌کند. وی علم حضوری نفس را به خود که علمی مستمر، ثابت، خطاناپذیر و یقینی است و هرگز نمی‌تواند علم حصولی و ناشی از صور علمی باشد، برهانی بر تجرد نفس می‌داند (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات ج ۳، هیاکل النور، ص ۸۵-۸۶).

## ۲. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی دانشی است که درباره‌ی چستی معرفت انسان، راه‌های دست‌یابی به آن، حقیقت صدق و تعیین معیار صدق و کذب بحث می‌کند (حسین زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۷). شیخ اشراق در تعریف علم چنین می‌نویسد:



«علم یا معرفت همان حضور شیء برای ذات مجرد از ماده است یا به عبارت دیگر، عدم غیبت شیء برای ذات مجرد از ماده می‌باشد و این تعریف اتمی است، چرا که هم شامل ادراک ذات است و هم ادراک غیر» (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات ج ۱، التلویحات، ص ۷۲).

اقسام کلی علم از نظر سهروردی عبارت‌اند از علم حصولی و علم حضوری. علم حصولی یا مثالی، قسمتی از علم است که در آن مدرک، صورت و مثال مدرک را به خویشتن می‌پذیرد (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات ج ۲، ص ۱۵). علم حضوری عبارت است از درک غیر مثالی یک شیء، آنگاه که چیزی نه از راه مفهوم و صورت بلکه تنها با ذات و واقعیت خود نزد عالم مجرد حاضر باشد، دانش ما حضوری خواهد بود (سهروردی، همان، صص ۷۱-۷۰).

سهروردی با توجه به ضوابط و ملاک‌هایی که برای حصول و تحقق علم حضوری بیان می‌دارد، به اقسام متعددی از علم حضوری اشاره می‌کند که عبارتند از:

الف. علم حضوری به خود یا من چرا که انسان از خود محجوب نیست.

ب. علم حضوری نفس نسبت به قوای خود که تحت تسلط اشراقی او بوده و نسبت به نفس اضافه اشراقی دارند.

ج. علم حضوری به بدن، شیخ اشراق علم به بدن جسمانی را نیز برای نفس دانشی حضور می‌داند، زیرا که نفس مسلط بر بدن و مدبر آن است،

د. علم حضوری به صور مثالی یا معلومات یا صور علمی.

ه. علم حضوری علت به معلول.

و. علم حضوری مجردات به هم‌دیگر، مجردات تام که به لحاظ مرتبه‌ی وجودی از انسان برتر هستند، به باری تعالی و به مجردات مافوق خود علم حضوری دارند (سهروردی، حکمت‌الاشراق، صص ۱۴۰، ۱۵۳-۱۵۲).

علم حضوری ویژگی‌هایی دارد. اولین ویژگی علم حضوری این است که در آن واقعیت درک‌شونده عین واقعیت علم است. به تعبیر دیگر در علم حضوری غیر از واقعیت درک‌کننده و واقعیت درک‌شونده، امر دیگری متحقق نیست. دومین ویژگی علم حضوری این است که در مورد آن، شک و یقین، تصور و تصدیق، حافظه، تفکر، تعقل و استدلال و مانند این‌ها معنا ندارد. همه‌ی این امور مربوط به علم‌های حصولی و به عبارت دیگر، مربوط به عالم ذهن است که عالم مفاهیم و صورت‌های اشیاء است. علم حضوری به این‌گونه امور، متصف نمی‌شود. سومین ویژگی علم حضوری این است که قوه‌ی محسوس یا وسیله‌ی ویژه‌ای برای تحقق آن دخالت ندارد، بلکه درک‌کننده با ذات و واقعیت خود، واقعیت درک‌شونده را می‌یابد. ولی در علم حصولی قوه‌ی خاصی از قوای گوناگون ادراکی، که کار آن‌ها



تصویرسازی است، دخالت می‌کند و صورتی تهیه می‌نماید و نفس به واسطه‌ی آن قوه‌ی عالم می‌شود. چهارمین ویژگی علم حضوری که مهم‌ترین آن‌ها است، این‌که در علم حضوری خطابی معنا است؛ به تعبیر دیگر علم حضوری خطاناپذیر است (مجموعه‌ی مقالات سهروردی، ۱۳۸۰، صص ۴۶-۴۷) شیخ اشراق راز خطاناپذیری علم حضوری را در بی‌واسطه بودن آن می‌داند (حسین زاده، ۱۳۸۸-ص ۳۷)

## ۲-۱. معرفت شهودی

معرفت شهودی دو نوع است: یک نوع شهود عقلانی که کسانی مثل هانری برگسون به آن اشاره کرده‌اند و دیگری شهود عارفانه که عرفایی مانند شیخ اشراق و مانند او به آن اشاره کرده‌اند که ناشی از باز شدن چشمان دل و دیدن آن چیزهایی است که به چشم مردمان نادیدنی می‌آید. تاریخ نشان می‌دهد که بیش‌تر توجه اندیشمندان و فیلسوفان در گذشته بر عقل و یا تجارب حسی انسان به عنوان منابع عمده‌ی کسب معرفت و دانش بوده است؛ به طوری که در دوره‌ی معاصر این دو بنیاد، یعنی عقل و تجربه حسی در کنار یکدیگر قرار گرفته و در پیوند با یکدیگر بنیان معرفت علمی را تشکیل داده‌اند (نقیب زاده، ۱۳۷۷، صص ۱۰-۹). آرنهایم (۱۹۸۵) شهود را وجهی از وجوه تفکر عقلانی به حساب می‌آورد. طبق نظر وی، شهود چیزی نیست جز همان توانایی ادراک سریع و مستقیم یک پدیده، به همین دلیل آرنهایم معتقد است، شهود و تفکر عقلانی لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در کنار هم معنا پیدا می‌کنند (Arnheim.1985, p.78). از طرف دیگر در منابع پژوهش‌های مربوط به عرفان اسلامی تعابیر به ظاهر گوناگون اما در باطن مشترکی درباره‌ی شهود وجود دارد، آن‌ها معتقدند معرفت حضوری، حصولی و اکتسابی نیست بلکه حضوری و ذوقی است و بیش‌تر یافتنی است تا فهمیدنی؛ یعنی این‌گونه از معرفت با خواندن و نوشتن حاصل نمی‌شود بلکه حقیقتی است که در عالم حضور دارد و سالک می‌باید با سلوک خود بدان برسد. عرفای اسلامی به خوبی واژه‌ی «کشف» را برای این‌گونه از معرفت به کار برده‌اند. در واقع علم شهودی، علمی است که در ظاهر عالم هویدا نیست و در باطن عالم وجود دارد و بنابراین رسیدن به آن، به معنی «کشف کردن» آن است؛ کشفی که قابل عرضه به دیگران نیست و به همین دلیل بسیاری به مخالفت با آن می‌پردازند (انصاری، ۱۳۷۸، صص ۲۸۲-۲۸۵).

## ۲-۱-۱. قلب ابزار شناخت عرفانی «معرفت شهودی»

در مقابل حکماء و فلاسفه که عقل را مهم‌ترین ابزار شناخت و معرفت می‌دانند، عرفا قلب را ابزار شناخت حقایق و مرکز ادراک واقعیت‌ها معرفی می‌کنند. از دیدگاه عرفا قلب، منبع و



مصدر اصلی همه‌ی شناخت‌ها، آگاهی‌ها، شعورها و احساسات معرفی شده است. هم‌چنین قلب به عنوان ابزار مشاهده‌ی عوالم غیب و امور نامحسوس معرفی شده است، البته با این شرط که انسان با تزکیه‌ی نفس حجاب‌های قلبی‌اش را بردارد (ابراهیمیان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳). سهروردی بر این عقیده است شناخت و معرفت عرفانی بی‌شک دارای مراتب و درجاتی است و آن کس که از طریق تزکیه‌ی نفس و تطهیر دل، سلوک خود را آغاز نمود، در شهود و ادراکش مراتب را طی می‌کند و مقاماتی را واجد می‌گردد (سهروردی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۳).

### ۳. ارزش‌شناسی

شیخ اشراق در برخی از آثار خود به پیروی از مشائیان ملائک ارزش اخلاقیات را همان اعتدال و دوری از افراط و تفریط دانسته است. اما دیدگاه ویژه او در این باره «قرب الهی» است؛ یعنی اساس کمال، توجه تام به نورالانوار و انقطاع به سوی او است و تمامی خلق‌ها آن گاه دارای ارزش هستند که انسان را در راه قرب به خداوند یاری می‌رسانند و هر خلق و فعلی که سد راه این قرب گردد، یا به آن خلل وارد سازد، بی‌ارزش است، ارزش‌های اخلاقی که سهروردی در آثار متعدد خویش بیان نموده تنها ارزش‌های فردی نیستند، بلکه برخی در ارتباط فرد با خودش، برخی با افراد جامعه و برخی نیز در ارتباط فرد با خدای خویش دلالت دارد، به عنوان مثال ریاضت، صبر، از جمله ارزش‌های اخلاقی فردی است و ارزش‌هایی که به ارتباط انسان با افراد دیگر مربوط می‌شود، می‌توان نیکی به پدر و مادر و پرهیز از ظلم را نام برد. دعا، ذکر، پرهیزگاری نیز از ارزش‌های الهی، یعنی ارزش‌های مربوط به انسان در رابطه با خدا است (سهروردی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۶-۲۵۹).

### عرفان از منظر سهروردی

فلسفه‌ی اشراق ترکیبی از اندیشه و شهود بحثی و ذوقی است که عرفان یکی از منابع و ارکان مهم آن به شمار می‌آید. سهروردی با مبانی خاص خود در مورد جهان و انسان ضرورت نوعی سلوک را برای آدمیان اثبات می‌کند. حکمت او در واقع نقشه‌ای از دار وجود است که به کمک آن غریب عالم غربت غریبه می‌تواند از ظلمت کده عالم ماده به مشرق عالم وجود که همان عالم ملکوت است، راه پیدا کند و با درک رموز و اسرار عالم به اصل خویش یعنی عالم نور توطن یابد و قطره نوری خود را به اقیانوس انوار پیوند دهد (صادقی حسن آبادی، ۱۳۸۵، ص ۵).



## مراحل و شرایط سلوک عرفانی از منظر سهروردی

مراحل و شرایط سلوک که سهروردی در عرفان و طریقت طی می‌کند از مرحله‌ی یقظه و بیداری آغاز می‌شود و در سلسله توالی منازل تا مرتبه‌ی فناء که تقریباً آخرین مرحله‌ی ترقی در مقامات سالک در سیر الی الله است، ادامه می‌یابد.

### ۱. یقظه و بیداری

گام نخست این راه، بیداری است. برای حرکت در هر مسیری قبل از اقدام باید نوعی طلب و خواستن در انسان ایجاد شود که این طلب در واقع به نوعی مسبوق به بیداری و آگاهی است. اما کسی که دچار غفلت شده و به قول شیخ اشراق هیچ جرعه‌ای از لذت‌های معنوی ننوشیده است، دیگری را که در این راه گام نهاده احیاناً به جنون متهم می‌کند در طلب، یقظه و بیداری بزرگ‌ترین گام، توانمندی در سلوک سالک است (سهروردی، آواز پر جبرئیل، ص ۲۵۶).

### ۲. معرفت نفس

معرفت نفس یکی از محوری‌ترین توصیه‌های عارفان و صاحب‌دلان است که در برخی روایات به عنوان نافع‌ترین معرفت مورد تأکید قرار گرفته است. سهروردی قبل از هر چیز با استناد به حدیث «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» شناخت نفس را در دو بعد نظری و عملی، اولویت دوم سیر و سلوک می‌داند. علم النفس سهروردی براساس علم حضوری و خودآگاهی استوار بوده و خودآگاهی نیز کانون هر گونه معرفت به شمار می‌آید (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات ج ۲، ص ۱۱۱).

### ۳. اهلیت و قابلیت داشتن

یکی دیگر از عناصر سیر و سلوک سهروردی اهلیت و قابلیت داشتن است. سخن را باید با اهل او در میان گذاشت و نااهلان از سخن مردان حقیقت‌گریزان اند، نااهلان و کوردلان از دریافت حقایق ناتوان‌اند. سهروردی معتقد است چون با نااهل سخن‌گویی سیلی‌خوری و سخنی که فهم‌نکنند بر کفر و دیگر چیزها حمل‌کنند. از نگاه سهروردی قلوب منجذب و گرفتار در بند هوی و مجذب در جاذبه‌های دنیا مشکل می‌توانند، در این مسیر گام‌نهند. هر قلبی و هر نفسی قابلیت کمالی و بهره‌ای دارد. استعداد و آمادگی یکی از شروط مهم سلوک است (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات ج ۳، ص ۲۵۵).

### ۴. تبعیت از پیر و مرشد

در آثار عارفان، تبعیت از انسانی راهدان در طی طریق از ضروریات لاینفک حوزه‌ی عرفان





است. پیر لزوماً پیر سال نیست، بلکه پیر راه است، کسی است که به زوایا و خفایای راه اشراف دارد و خیر سالک را در می‌یابد. سهروردی در «بستان القلوب» چنین آورده است:

«هم چنان که شیخی باید تا خرقة پوشاند، پیری باید که ذکر تلقین کند، بی‌پیر به جایی نرسند. چون پیر مرید را ببندد و داند که او را استعدادی هست تلقین ذکر کند که لایق داند. و به مقدار استعداد مرید قدر طعام فرماید و هر روز پیش مرید می‌آید تا اگر واقعه یا خوابی دیده باشد تعبیری چنان که لایق باشد بکند.»

(سهروردی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۹)

در تعالیم و اظهارات سهروردی اثر و اهمیت شیخ و پیری که عالم بر امر الهی است به وضوح نمایان است. سالک باید که به دنبال استاد و راهنمایی باشد تا به او معرفت آموزد و او را به اسرار الهی آشنا کند و سرانجام بیماری روح و قلب او را درمان کند، به تعبیر سهروردی شیخ طیب روح بیمار شما است.

#### ۵. پرهیز از ظاهربینی و قشری‌نگری

از جمله مسائلی که راه عرفان را از بقیه‌ی مسلک‌ها جدا می‌کند ظاهر و باطن است. تا آن‌جا که آدمی منحصر در ظواهر و پوسته‌ی شریعت و طبیعت است هنوز وارد آن حوزه نشده است، سهروردی در رساله‌ی «روزی با جماعت صوفیان» به سالک چنین توصیه می‌کند، برای پرسش و دانستن از حقیقت باید از ظاهربینی که بهایم هم در آن با انسان‌ها مشترک‌اند دست شست و سعی کرد که دیده‌ی حقیقت‌بین خود را گشود (همان، ص ۲۴۹)

#### ۶. ریاضت

نیل به کمالات معنوی تنها در سایه‌ی تلاش و کوشش پی‌گیر و مشقت‌بار ممکن است. راه حقیقت‌راهی، طولانی و پرفراز و نشیب است. سالک این راه باید تاب هرگونه امتحان و ابتلاء را داشته باشد و در تحمل آن‌ها مقاوم و صبور باشد. ریاضت دادن و کشتن نفس منجر به تسلط و غلبه بر تمام وحوش و سباع درونی است. سهروردی در سلوک، حتی برای فهم حکمت، قائل به ریاضت است و خود نیز به این ریاضت‌عادت‌ی زیاد داشته و اکثر مواقع تهی‌بطن بوده و میل چندانی به تناول و خوردن نداشته است (محمدی و ایقانی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۷). سهروردی برای این‌که، سالک حقیقت‌بین باشد و آن‌که چگونه چشم بصیرت او گشوده شود دستورالعمل‌هایی را برای ریاضت‌کشی توصیه می‌کند. از سالک می‌خواهد تا «اندرون خالی دارد» تا انوار معرفت در آن ببیند (سهروردی مجموعه‌ی مصنفات ج ۳، ص ۲۴۸). هم‌چنین برای تأثیر غذا در سلوک عملی انسان، اهمیت زیادی قائل است. بر همین اساس شالوده‌ی حرکت معنوی انسان را بر کم خوردن بنا می‌نهد (سهروردی، همان، ص ۳۹۷).



## ۷. توکل

توکل از عالی‌ترین مقامات عرفانی است و مراد از آن واگذار کردن امور به وکیل جهان هستی است. توکل یعنی اعتماد بنده به خالق و قطع امید از آنچه در دست خلاق است. از نظر سهروردی سالک باید در تمام مراحل، توکل داشته باشد. چرا که این ریاضت‌ها و سلوک‌الی الله فقط با توکل قابل تحمل است هم‌چنین در تعریف توکل می‌گوید: «توکل به این معنا است که آدمی پیوسته و در همه‌ی حوادث، نیکی قضا و قدر را بنگرد و تنها به عوامل و اسباب طبیعی چشم ندوزد» (سهروردی، کلمة التصوف، ص ۱۲۳)

## ۸. سماع

هروردی سازهای خوش‌آواز چون دف و نی را بیان‌گر حزنی از یک مقام می‌داند که وقتی به گوش دردمندی خورد، او نیز صوتی کند و به آوازی خوش‌تر شعری گوید که این امر حقیقت حال او را نشان دهد، رقص از نظر سهروردی رقص روح و جان سالک است که هوای پر کشیدن و رفتن دارد. نکته‌ای که شیخ در رقص و سماع بر آن تکیه می‌کند، آن‌که سماع و رقص نباید تصنعی و از روی تکلف باشد، بلکه باید از حال سالک ناشی شود (سهروردی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۶)

## ۹. عشق

عشق راز آفرینش و چاشنی حیات و خمیر مایه‌ی عرفان و سرمنشاء کارهای خطیر در عالم و اساس شور و شوق و وجد و نهایت حال عارف است. محبت چون به کمال رسد، عشق نام گیرد و عشق که به کمال رسد به فناء در ذات معشوق منتهی می‌شود. سخن سهروردی در عشق این است که سیر در مقامات را میسر می‌سازد. چون معلوم شد که عشق است که طالب را به مطلوب می‌رساند، عهد باید کردن که خود را مستعد آن گرداند که عشق را بداند و منازل و مراتب عاشقان را بشناسد و خود را به عشق تسلیم کند (همان، ص ۲۸۵).

## ۱۰. فنای فی الله

آخرین وادی که سالک باید طی کند وادی فناء است. منظور از فناء، فنای جسمانی و فنای در ذات نیست بلکه منظور از آن صفات رذیله‌ی بشری است. تا زمانی که سالک از این صفات فانی نشود و صفات حق در او تجلی نیابد بقاء در او حاصل نشود. فناء، حالتی است که شخص، هوشیاری کامل را از دست داده و خود را فراموش می‌کند و فراموشی را هم فراموش می‌کند. این مقام بالاترین مرتبه توحید است. از نظر سهروردی توحید حقیقی وقتی در وجود کسی مجلی می‌شود که به جان دریابد، همه چیز نابود است (علیخانی، ص ۲۷۸). سهروردی



معتقد است سالک مادام که نظر به عرفان دارد از حق دور است باید چنان شود که به ذات خویش و ابتهاج آن از سواطع انوار نظر نکند این مقام «فناى اکبر» است و چون خود را فراموش کند فراموشى را نیز فراموش کند آن را «فنا در فنا» خواند (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات ج ۳، صص ۳۲۴-۳۲۳).

### تعريف تربیت عرفانی

تربیت عرفانی این است که آدمی در راه پرورش توانایی‌های معنوی و باطنی خویش، از حسیض دنیای حس و ماده و از نفس اماره رهایی یابد و ایمان، اخلاص و عشق به خدا را تجربه کند و منازل، حالات و مقامات را پیماید و جذبه‌ها، نفعه‌ها و حالاتی که در درونش وارد می‌شود را دریابد و از آن به درستی بهره‌برداری کند و به فناء فی الله و بقاء بالله بریابد. پیدا است طی این مقامات از بدایات تا نهایت، یک سیر تکاملی نفسانی درونی است، و به برنامه ویژه نیاز دارد. این برنامه، تربیت عرفانی است که در آن مراحل و منازل، موانع، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی مشخص می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۸، صص ۲۸۵-۲۸۴).

### اهداف تعلیم و تربیت

شیخ اشراق در آثار خویش کوشیده است اهداف فلسفه، عرفان و دین را در زمینه‌ی تربیت انسان به یکدیگر نزدیک کند و هماهنگی عقل، دین و عرفان را آشکار سازد. او کم‌تر به اهداف رفتاری پرداخته و بیش‌تر اهداف غایی و واسطه‌ای را مورد توجه قرار داده است. با توجه به مبانی فلسفی، مراحل و شرایط سلوک مطرح‌شده از دیدگاه شیخ اشراق می‌توان اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی را به شرح ذیل چنین بیان کرد، ما آن‌چه را که در زمینه‌ی اهداف تربیت در آثار عرفانی شیخ اشراق آمده، به دو قسم تقسیم می‌کنیم، نخست به اهداف واسطه‌ای و سپس به هدف غایی تربیت عرفانی می‌پردازیم.

#### ۱. اهداف واسطه‌ای

منظور از اهداف واسطه‌ای یک سری غایت‌های کلی است، این اهداف نسبت به هدف غایی وسعت و محدوده‌ی کم‌تری دارند. اهداف واسطه‌ای مسیر حرکت انسان را تا حدی مشخص می‌کنند و مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که از به هم پیوستن آن‌ها پیکره‌ی هدف نهایی ساخته می‌شود.

#### ۱-۱. معرفت شهودی

در بحث معرفت‌شناسی به معرفت شهودی از دیدگاه شیخ اشراق اشاره گردید، بنابراین



می‌توان نتیجه گرفت، اولین هدف واسطه‌ای، معرفت شهودی می‌باشد. این هدف، کلید نیل به هدف نهایی است. این نوع شناخت خداوند، در فطرت آدمی ریشه دارد و با ابعاد عاطفی و درونی او عجین شده است. معرفت شهودی سازنده‌ی شخصیت انسان است و نظام رفتاری و منش و سلوک او را تعیین می‌کند. این معرفت، علمی است که سهو و خطا در آن راه ندارد و تنها مرحله‌ای است که مستقیماً فرد را به هدف نهایی می‌رساند (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴، صص ۴۳-۳۹) شیخ اشراق معتقد است؛ معرفت شهودی، هم‌چون آگاهی انسان به خود و قوای ادراکی و تحریکی و درد و شادی، با حضور عین مُدرک در برابر نفس و بدون وساطت صور، تحقق می‌پذیرد. شیخ اشراق هم‌چنین بر این عقیده است که مشاهده قوی‌تر از استدلال است و تا حجاب بر نخیزد، شهود حاصل نشود و حکمت بدون شهود بی‌معنا است. همان‌گونه که با مشاهده‌ی حسی از احوال کواکب و پدیده‌های مادی مطلع می‌گردیم با مشاهده‌ی اشراقی و شهودی مبادی عالی‌ه معرفت را در می‌یابیم (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات، ج ۲، ص ۱۳).

### ۲-۱. پرورش عقل

شیخ اشراق در حکمت اشراقی بر این عقیده است که نظر، برهان و استدلال از اهمیت بسیاری برخوردار است، بنابراین یکی دیگر از اهداف تربیت عرفانی پرورش تفکر است. شیخ اشراق حصول این هدف را به دو دلیل لازم می‌داند: یکی آن که زمینه معرفت انسان به جهان هستی و هدف حکمت نظری تحقق تمامی معارف در نفس ناطقه و تبدیل انسان به جهانی عقلی شبیه جهان عینی است و دیگر این که فهم حکمت اشراقی وی نیازمند اندیشه‌ای قوی و تفکری خلاق است (سهروردی، ۱۳۸۰، ص ۸۷)

### ۳-۱. عشق

یکی از مراحل سلوک عرفانی از دیدگاه شیخ اشراق عشق است، عشق در تعلیم و تربیت عرفانی هدف است، چرا که به وصل و کمال و معرفت منجر می‌شود. در واقع تعلیم و تربیت واقعی چیزی نیست جز سیر و سلوک عشق، یعنی آغاز از عشق‌های مجازی و سپس گذر از آن‌ها برای رسیدن به عشق حقیقی که به طور یقین، همراه با روشن‌شدگی و بصیرت است. این در حالی است که بنا به گفته‌ی سالومون در سیر تحول اندیشه‌های فلسفی به عواطف نگاهی تحقیرآمیز شده، به طوری که عواطف انسانی را جنبه‌ی بدوی و ابتدایی انسان تلقی می‌کرده‌اند چرا که نشان‌گر خوی حیوانی وی بوده است (Solomon, 2000, p.3) بر خلاف نگاه منفی غالب دیدگاه‌های فلسفی مغرب‌زمین درباره‌ی نقش عواطف و به‌خصوص عشق، از منظر



عرفان اسلامی در نظام تعلیم و تربیت، تربیت عاطفی با محوریت عشق اصالت دارد. سهروردی در رساله «فی الحقیقه العشق» چنین آورده است: وصول به حسن و کمال جز به عشق ممکن نشود و عشق است که طالب را به مطلوب می‌رساند. «محبت چون به غایت رسد آن را «عشق» خوانند» (سهروردی، فی الحقیقه العشق، صص ۲۸۶-۲۸۴)

### ۱-۴. عبودیت

یکی دیگر از اهداف واسطه‌ای که در ارتباط با خدا مطرح می‌شود عبودیت است که در برگیرنده مرحله‌ای از مراحل خاص صعود به سوی خداوند است. عبودیت آن است که انسان همه چیز خود را از خدا بداند و او را رب و صاحب اختیار خود بشناسد و در هر شأنی از شئون حیات، از انانیت به عبودیت برگردد و اوامر خدا را انجام دهد و نواهی او را ترک کند؛ البته این هدف جنبه واسطه‌ای دارد و انسان از طریق عبودیت می‌تواند به مقام قرب الهی واصل شود (سهروردی، حکمت الاشراف، صص ۲۵۸-۲۵۷)

### ۲- هدف غایی تربیت عرفانی

هدف غایی تربیت در هر مکتبی، کمال مطلوب آدمی است و باید تمام فعالیت‌های او متأثر از آن باشد. اساساً نقش هدف نهایی در مسیر زندگی، چیزی جز استمرار حضور و احساس خدا نیست. و اهداف واسطه‌ای هر یک مرحله‌ای است تا سالک به هدف غایی که همان قرب الی الله یا فنای فی الله است، برسد.

### ۲-۱. فنای فی الله و بقای بالله

آخرین وادی که سالک باید طی کند فنای فی الله است، یک عارف در اثر سیر و سلوک و مجاهده، از مرز حدود و قیود شخصی گذشته به حقیقت مطلق و نامحدود واصل شده و با آن متحد گشته و سرانجام در آن فانی می‌گردد. فناء همان رفع تعین بنده است و در حقیقت جز، تعین و خود بنده، حجاب دیگری میان او و حضرت حق نیست. به عبارت دیگر فنای فی الله، به معنای نیست و نابود گشتن عارف نیست، بلکه به معنای از خود رهایی و بیرون آمدن از تمام تعلق‌ها و وابستگی‌های مادی، خلقی و بشری، و بقا به صفات سرمدی است (پیربی، ۱۳۷۴، ص ۱۷).

### اصول و روش‌های تعلیم و تربیت

اصول عبارت است از بایدهای ناشی از هست‌های ساختاری انسان که راهنمای ما در تدابیر تربیتی هستند. شیخ اشراق در آثار خود اصول تعلیم و تربیت را ذکر نکرده است؛ ولی گاه در



بیان قواعد عام تربیتی واژه‌ی «اصل» یا «انه من المهمات» را به کار برده که نشانه‌ی کلی بودن و اهمیت این قواعد است و می‌توان این موارد را به عنوان «اصول تربیت از منظر شیخ اشراق» مطرح کرد. هم‌چنین روش‌هایی که از طریق آن‌ها می‌توان اصول تربیتی را جامه عمل پوشاند و با بهره‌جویی از آن‌ها اهداف تعلیم و تربیت را تحقق بخشید، به صورت پراکنده در آثار شیخ اشراق آمده است روش‌ها بر اصول مبتنی هستند. اصول و روش‌ها از یک سنخ هستند، زیرا هر دو، دستور العمل‌اند و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصد مورد نظر، چه باید بکنیم؛ اما تفاوت آن‌ها در این است که اصول، دستور العمل‌های کلی و روش‌ها، دستور العمل‌های جزئی‌تر هستند.

### ۱. اصل یقظه و بیداری

اولین پله تربیت معنوی یقظه و بیداری است و به باور شیخ اشراق رسالت تمام علوم بیدار کردن انسان و زدودن غفلت و بی‌خبری از او است. شخص غافل که از بیماری‌های روحی خویش و نقاط ضعف خود بی‌خبر است، چگونه می‌تواند در جهت تربیت و اصلاح خویش گام بردارد و آن‌گاه انسان از غفلت می‌رهد که بدانند دنیا ظلمانی است و محل عبور و وطن اصلی او و سرچشمه نور جای دیگری است که در این صورت خضروار با توکل به خدا به سوی وطن حرکت می‌کند؛ بنابراین، هر روش تربیتی که در آن اصل غفلت‌گریزی رعایت نشود و انسان را غافل سازد، محکوم به بطلان و شکست است (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶). براساس اصل اول تربیت عرفانی که یقظه و بیداری است، با توجه به دیدگاه شیخ اشراق می‌توان روش توبه و روش عزم و اراده را به سالکان راه حق پیشنهاد کرد.

#### ۱-۱. روش توبه

توبه، حالت بیداری نسبت به نقص‌ها است و اولین مرحله از مانع‌زدایی برای سالکان می‌باشد. حالت توبه بعد از آگاهی از نقص‌ها و بیداری از غفلت شکل می‌گیرد. سهروردی در تعریف توبه می‌گوید:

«توبه عبارت است از آن که نفس آدمی در حد قدرت و توان نسبت به کارهای پستی که انجام داده در خود احساس دردمندی کند، با تصمیم جدی به ترک آن‌ها و انجام آن چه که از دست رفته است» (سهروردی، کلمه‌التصوف، ص ۸۲).

#### ۱-۲. روش عزم و اراده

اراده آغاز راه سالک است و تا آدمی چیزی را اراده نکند نمی‌تواند آن را انجام دهد. در



عرفان اسلامی، عزم و اراده جدی بر سلوک، جایگاه والا و بلندی دارد و شرط اساسی و برترین توشه‌ی سالک دانسته شده است. سهروردی در تعریف اراده می‌گوید:

«اراده نخستین حرکت نفس است که با آن به سوی کمال و فضیلت روی می‌کند و مرید کسی است که در جستجوی طهارت حقیقی و باطنی باشد». (همان، ص ۸۲)

## ۲. اصل معرفت نفس

دومین اصل تربیت عرفانی معرفت نفس است. هدف از خودشناسی در نظام تربیتی اسلام دو چیز است: خداشناسی و خودسازی. منظور از خداشناسی صرف شناخت و معرفت نظری نیست، بلکه مقدمه‌ای برای خودسازی است. سهروردی قبل از هر چیز با استناد به حدیث «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» شناخت نفس را در دو بعد نظری و عملی، اولویت اساسی سیر و سلوک می‌داند. در سطح نظری سهروردی «من» را سرچشمه معرفت‌شناسی اشراقی به شمار می‌آورد و در سطح عمل «من» منبع تمام امیال والا و الهی است که در پس پرده پندار و حجاب و سوسه‌های برزخی انسان پوشیده است. علم النفس سهروردی براساس علم حضوری و خودآگاهی استوار بوده و خودآگاهی نیز کانون هر گونه معرفت به شمار می‌آید (سهروردی، مجموعه‌ی مصنفات، ج ۲، ص ۱۱۱).

## ۲-۱. روش تفکر

از روش‌های معرفت نفس می‌توان تفکر را نام برد. هر سالکی نیاز دارد تا زمان‌هایی را به تفکر، تأمل و تعمق در خویش و حالات گوناگون نفسانی خود، اختصاص دهد. تفکر پیوسته درباره جهان آفرینش و نعمت‌های خداوندی و نظم و نظام تکوین در تربیت انسان نقش مؤثری دارد. به باور شیخ اشراق انسان بدون تفکر در خود و شناخت نفس، در تربیت خویش توفیق نمی‌یابد. او می‌گوید:

«اگر به خود آیی و فکر کنی که از کجا آمده‌ای و کجا خواهی شد و خدا را به حقیقت بخوانی، خود را خواهی یافت» (سهروردی، فی الحقیقة العشق، ص ۳۶۹)

## ۳. اصل تلازم طریقت با شریعت

درهم تنیدگی، پیوستگی و وابستگی شریعت و طریقت، در تمامی مراحل به روشنی پذیرفته شده است که عارف و سالک، در آغاز و انجام راه و در هر شرایط، از شریعت و دین بی‌نیاز نیست. شی‌خ اشراق حکیم و عارفی پایبند به دین و شریعت است که هرگز توجه به علم باطن وی را از حکم ظاهر باز نمی‌دارد. او عارفی است که پوشش طریقت، پیوند با شریعت، و



تحقق به مشاهده حقیقت نشان او است. سهروردی در رساله «کلمة التصوف» قرآن و حدیث را تنها معیار حقیقی می‌شناسد و از نظر او، هر سخن که به آن دو بر می‌گردد و یا هر عملی که به شرع و قانون الهی مستند باشد اعتبار و ارزش دارد و جز آن همه سخن بیهوده است و نتیجه اش گمراهی است (سهروردی، کلمة التصوف، ص ۸۲).

همان طور که مطرح شد یکی دیگر از اصول تربیت عرفانی شیخ اشراق تلازم طریقت و شریعت است که از روش‌های متناسب با آن می‌توان روش اربعین‌گیری و انجام عمل صالح را نام برد.

### ۳-۱. روش اربعین‌گیری یا چله‌نشینی

در میان اعداد، نقش عدد چهل فوق‌العاده عجیب است و مداومت بر عملی به مدت چهل شبانه روز از تأثیرات ویژه‌ای برخوردار است. شخصی که دستورالعمل‌های مذکور را به مدت چهل شبانه روز انجام دهد و همواره شهود و معرفت را از خدا مسألت نماید، ممکن است در این مدت مورد توجه قرار گیرد و دری از غیب به رویش گشوده شود. وصیت شیخ اشراق در پایان حکمت‌الاشراق چنین است: «یک اربعین‌گیری کنید؛ بعد در کتاب من وارد شوید».

### ۳-۲. روش انجام عمل صالح

از قرآن استفاده می‌شود که بعد از ایمان، عمل صالح، وسیله‌ی تکامل نفس و تقرب به خدا و نیل به درجات عالی انسانیت و زندگی پاک و پاکیزه اخروی است. عمل صالح و دوری از گناه زمینه‌ی هدایت و معرفت است. شیخ اشراق با استناد به آیه شریفه: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»، عمل صالح مخلصانه را زمینه گشوده شدن راه‌های هدایت می‌داند (سهروردی، ۱۳۷۲، ص ۸۲).

### ۴. اصل تحمل ریاضت

از اصول تربیت عرفانی می‌توان تحمل ریاضت و از روش‌های آن می‌توان عبادت، روزه‌داری و صبر را نام برد. مکاتب عرفانی، اتفاق نظر دارند در این که بشر فقط در اثر تلاش پیگیر و پرمشقت می‌تواند به کمالات حقیقی خویش نائل آید. ریاضت آن است که انسان از خود، دنیا و وابستگی‌های این جهانی کنده شود و با موانع و حجاب‌ها به مبارزه برخیزد و خود را به کم خوردن و کم خفتن عادت دهد و از سر اخلاص و بندگی خداوند را عبادت کند و در راه ادای وظایف دینی از تحمل سختی‌ها نهراسد (همان، ص ۲۵۸).





#### ۴-۱. روش انجام عبادت

سالک مراقب باید شب خود را زنده سازد و هرگز عبادت در شب را از دست ندهد؛ شیخ اشراق معتقد است:

«هر طالب صادق که گریبان جان او به انامل جذب به حضرت عزت کشیدند، او را پروای خواب نباشد. و ببايد دانست که توفیق برخاستن در شب، از حضرت عزت است تا ظن نبری که طالب به طلب مطلوب می‌رود، بلکه تا مطلوب اصلی جمال خود در درون دل با ایمان سالک متجلی نشود، شعله آتش برخاستن در شب از اندرون سالک برنخیزد»

هم چنین گفته است:

«شرط نمازکننده آن باشد که در نماز خاشع باشد، و خشوع آن گاه ظاهر شود که تجلیات بر دل او می‌آید. بر پیغمبر و بنده مادام تا در نماز است، به صفات همه‌ی فرشتگان متصف است و خاصیت ایشان حاصل کرده. و سرعت و تعجیل در نماز پسندیده نیست، که ابواب فتوح غیبی مسدود گرداند و نمازکننده را از لذات و ذوق مناجات و خشوع و خضوع محروم گرداند، و از نفحات فضل الهی و روایح قرب پادشاهی بی‌بهره ماند.»

#### ۴-۲. روش روزه‌داری

یکی دیگر از ریاضت‌ها که برای سالک راه حق در نظر گرفته شده، روزه است. روزه آثار فراوانی از نظر مادی و معنوی دارد، از فواید مهم روزه تلطیف روح و تقویت اراده و تعدیل غرایز است. شیخ اشراق گفته است که:

«خدای تعالی می‌فرماید: «الْصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أَجْزِي بِهِ» یعنی روزه از آن من است و من پاداش روزه‌ام. روزه همای سعادت است که بال جلال بر هامه احوال سالک می‌گستراند. عجیب راهی است راه سلوک که طعامش بی نانی است و شرابش بی‌آبی. چون سالک، بدین زاد گرسنگی و راحله تشنگی قطع منازل و مراحل کند، و از لباس بشریت برهنه شود و قدم در حرم خانه قربت خاص احدیت نهاد، از ظلمت وجود برسته و به بقای هست مطلق هست شود» (اصفهان، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸)

#### ۴-۳. روش صبر

یکی دیگر از روش‌های ریاضت صبر و بردباری است. سلوک سالکان، تنها با ثبات قدم و پایداری به فرجام می‌رسد؛ اگر انسان مدتی در پیشامدهای ناگوار و در مشقت عبادات و مناسک و تلخی ترک لذات نفسانیه، به واسطه فرمان حضرت ولی النعم، صبر کند و تحمل



مشقت‌ها را اگر چه سخت و ناگوار باشد بنماید، کم کم نفس عادت می‌ند و مرتاض می‌ود و سختی تحمل مشقت بر آن آسان می‌شود. سهروردی در تعریف صبر می‌گوید:

«صبر از زیر مجموعه های نیروی غضب آدمی است و به این معنا است که اجازة ندهد امری که در نظر نفس ناخوشایند است و از نظر عقل قابل تحمل است بر او تأثیری زیاد بگذارد. و یا این که سعی شود آدمی را از دوست داشتن چیزی باز دارد که به نظر عقل نباید به سوی آن رفت» (سهروردی، کلمة التصوف، ص ۱۲۰)

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد در بصیرت حاصل از حکمت اشراقی که منبعی قدسی داشته، حقیقت وجودی به شیوه‌ی شهودی برای انسان پدیدار می‌گردد. البته در حکمت اشراق، برهان و استدلال نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است اما او هم چنان بر این عقیده است که مشاهده روحانی که با دستیابی به معرفت نفس حاصل می‌گردد، مبنای حکمت واقعی به شمار می‌رود. معرفت شهودی یعنی وصول به حقیقت اشیاء از راه مکاشفه، مشاهده قلبی، تجلیات باطنی، راه یافتن به عالم ماورای حس و مشاهده آن عالم با چشم درون و یا شنیدن آن زمزمه با گوش جان است. علم النفس سهرودی براساس علم حضوری و خودآگاهی استوار بوده و خودآگاهی به عنوان اصل کیهانی، اساس علم اشراق را تشکیل می‌دهد. علم اشراقی که مبتنی بر فعل نفس است از طریق خودشناسی استنباط می‌شود. یکی دیگر از منابع مهم حکمت اشراق عرفان است و شیخ در دریافت‌های خود، تکیه ویژه‌ای بر ذوق و شهود دارد. او ابزار عرفان را دل می‌داند به این معنی که از طریق تسویه دل به معنا و حقیقت جهان می‌رسیم. در این پژوهش اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی از میان آراء شیخ اشراق استخراج شده و بیان گردید. هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده می‌شود و به دو قسم هدف غایی و اهداف واسطه‌ای تقسیم می‌شود. هدف نهایی در مسیر زندگی، چیزی جز استمرار حضور و احساس خدا نیست و اهداف واسطه‌ای هر یک مرحله‌ای برای رسیدن سالک به هدف غایی یعنی قرب الی الله است. مقصود از اصول، قاعده‌ای عام برای تربیت انسان است که از معرفت حقیقت و ابعاد وجودی انسان ناشی می‌شود هم‌چنین روش‌هایی که از طریق آن‌ها می‌توان اصول تربیتی را جامه عمل پوشاند و با بهره‌جویی از آن‌ها اهداف تعلیم و تربیت را تحقق بخشید، از دیدگاه شیخ اشراق بیان گردید.



## منابع و ماخذ

۱. ابراهیمیان، سید حسین (۱۳۷۸). *معرفت‌شناسی در عرفان*. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۲. اصفهانی، ابومنصور بن المؤمن، به اهتمام قاصم انصاری (۱۳۸۴). *عوارف المعارف*. انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۷۸). *شرح منازل السائرين*. قم انتشارات آیت عشق.
۴. بهشتی، محمد (۱۳۸۸). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*. جلد پنجم، تهران انتشارات سمت.
۵. پژوهشکده حوزه و دانشگاه (۱۳۸۴). *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*. تهران انتشارات سمت.
۶. حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۸). *درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی*. انتشارات موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۷. سجادی، سید ضیا‌الدین (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف*. انتشارات سمت.
۸. سهروردی، شهاب‌الدین، *مجموعه‌ی مصنفات*، جلد اول، تصحیح و مقدمه هنری کرین، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۹. ----- (۱۳۷۲). *مجموعه‌ی مصنفات*، جلد دوم، تصحیح و مقدمه هنری کرین، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۰. ----- (۱۳۸۰). *مجموعه‌ی مصنفات*، جلد سوم، تصحیح و مقدمه سید حسین نصر، و مقدمه و تحلیل فرانسوی هانری کرین، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. -----، *مجموعه‌ی مصنفات*، جلد سوم، *هياكل النور*، تصحیح و مقدمه سید حسین نصر، و مقدمه و تحلیل فرانسوی هانری کرین، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. ----- (۱۳۸۰). *رساله فی الحقیقه العشق*، تصحیح و مقدمه سید حسین نصر، تهران پژوهشگاه علوم انسانی.
۱۳. ----- (۱۳۸۰). *حکمة الاشراق*، تصحیح و مقدمه هنری کرین، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.



۱۴. ----- (۱۳۷۲) قصة الغربة الغربية، تصحيح و مقدمه هنری کربن،  
موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۵. ----- (۱۳۸۰) التلویحات، مقدمه هنری کربن، موسسه‌ی مطالعات  
و تحقیقات فرهنگی.
۱۶. ----- (۱۳۸۰). پرتو نامه، تصحیح و مقدمه سید حسین نصر، و  
مقدمه و تحلیل فرانسوی هانری کربن، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
فرهنگی.
۱۷. ----- (۱۳۷۲) کلمة التصوف، به تصحیح و تحشیه و مقدمه نجفقلی  
حیبی، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. ----- (۱۳۸۰) آواز پر جبرئیل، تصحیح و مقدمه سید حسین نصر،  
و مقدمه و تحلیل فرانسوی هانری کربن، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
فرهنگی.
۱۹. صادقی حسن آبادی (۱۳۸۵). سلوک عرفانی در حکمت اشراق، فصلنامه اندیشه  
دینی دانشگاه شی‌ءراز.
۲۰. علیخانی، مریم (۱۳۸۴). پژوهشی در اندیشه‌های عرفانی شیخ شهاب الدین  
سهروردی، انتشارات ترفند، ص ۱۷۲.
۲۱. جمعی از اساتید و نویسندگان (۱۳۸۰)، مجموعه‌ی مقالات نخستین کنگره بین  
المللی شیخ شهاب الدین سهروردی، جلد اول.
۲۲. محمد وایقانی، کاظم (۱۳۸۵). سهروردی دانای حکمت باستان، انتشارات پازینه.
۲۳. نقیب زاده عبدالحسین (۱۳۷۷). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات  
طهوری.
۲۴. بشری، سید یحیی (۱۳۷۴). سیر تکاملی و اصول و مسایل عرفان و تصوف، قم دفتر  
تبلیغات اسلامی قم.
25. Heim A. (1985) **the double-edge mind: Intuition and the intellect  
learning and teaching the ways of knowing the national society  
for the study of education**, Guilford, U.S.A .
26. Solomon, R.C. (2000) "The Philsophy of Emotions", hand book of  
Emotions, second edition, Guilford, U.S.A.

